



گزارش موزه عکس صمدی

تسهیلگر پروژه و نویسنده گزارش:

کوثر دشتگرد



خانه قدیمی صمدی با هدف حفظ هویت فرهنگی و ماندگاری میراث نیکان، مرمت و نگهداری شده است و در حال حاضر ساختمان بنیاد توسعه فرهنگی و توانمندسازی سپهر در این مکان مستقر می‌باشد. در این خانه، قدیمی‌ترین عکاسخانه استان خراسان جنوبی با عنوان **موزه عکس صمدی** فعالیت دارد. یکی از اتاق‌های این موزه از سال ۱۳۲۰ به عنوان عکاسخانه مورد استفاده قرار گرفته و تا امروز بخشی از میراث فرهنگی ارزشمند شهر قاین به‌شمار می‌آید.

جدول شماره ۱: سیر تکاملی آمار موزه عکس در سال ۱۴۰۴

ردیف	عنوان	تعداد
۱	تعداد بازدید کنندگان	۳۸۷
۲	تعداد عکس و فیلم های جمع آوری شده	۲۹۱
۳	تعداد اهدا کنندگان عکس و فیلم	۱۱



تصاویر شماره ۲: بازدید سالمندان، دانش آموزان و دانشجویان از موزه عکس



در سال ۱۴۰۴، با هدف گردآوری عکس‌ها و فیلم‌هایی با محوریت کار و تلاش، پروژه‌ای با عنوان جمع‌آوری عکس‌ها و فیلم‌های قدیمی از کسب و کارها آغاز کردیم. این پروژه به صورت داوطلب محور و با برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری پنج نفر از داوطلبان اجرا شد.



تصاویر شماره ۳: جمع‌آوری عکس و فیلم‌های قدیمی توسط داوطلبان

در این پروژه، تعداد ۳۸ عکس از کارخانه آرد والسی و ۹ فیلم با همکاری جهاد کشاورزی از آرشیو این مجموعه جمع‌آوری شد. همچنین افراد زیادی با مراجعه به موزه عکس، اقدام به اهدای عکس‌های شخصی خود کردند که مجموع این عکس‌ها و فیلم‌ها در نهایت به ۲۴۴ مورد رسید.



تصاویر شماره ۴: اهداکنندگان عکس و فیلم



همچنین در ادامه این پروژه، اقدام به ضبط روایت هایی درباره عکس های اهدایی از سوی اهدا کنندگان کردیم. این روایت ها با همکاری داوطلبان ضبط و بازخوانی شد و در قالب **قالب و قصه** در فضای مجازی بنیاد منتشر گردید. تا کنون ۴ روایت در شبکه های اجتماعی بنیاد سپهر به اشتراک گذاشته شده است.

«روایت آوار»

مریم فیضی

آن سال دانشجوی فرهنگیان قاین بودم، پس از زلزله خود را به روستای اردکول رساندم. همه جا ویران بود و در هر سو، اقوام و خویشان زخمی و در حال وخیم، زیر آوار گرفتار بودند. مادرم، حسین، برادر کوچکمان را که پایش زیر آوار شکسته بود، بر دوش گرفته و به بیمارستان آورده بود. خواهر شش ساله ام نیز زیر آوار مانده بود...

آن سال، مدرسه اردکول ۹۰ دانش آموز داشت که همگی زیر خروارها آوار مدفون شدند. سهیلا، تنها بازمانده کلاس پنجم که اکنون عروس خانواده فیضی است، با یادآوری آن روزها می گوید: "من تنها کسی بودم که توانستم خودم را از کلاس بیرون بکشم. بقیه بچه ها زیر میزها پناه گرفته بودند. صدایشان را می شنیدم که از شدت ترس، همدیگر را صدا می زدند.

امدادسانی به اردکول با تاخیر رسید؛ بیشتر کمک ها در حاجی آباد متوقف می شد و به اردکول نمی رسید. آن روزها ما حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ دانش آموز داشتیم. با وجود این تعداد کشته، باز هم نصف کلاس های شیفیت صبح تعطیل بودند. اما امروز، به دلیل ترس از زلزله، بسیاری از خانواده ها روستا را ترک کرده اند و در حال حاضر مدرسه تنها ۲۷ دانش آموز دارد.

پس از گذشت ۷ روز، توانستیم اجساد را از زیر آوار بیرون بیاوریم. در آن روزها، هر کس جنازه عزیزانش را بر دوش و دست حمل می کرد و با چشمانی اشکبار می پرسید: آیا تو می توانی خواهر من را غسل دهی؟ دل کندن از عزیزانمان و شستن پیکر پاکشان، سخت ترین غم بود. هر یک از خانواده های ساکن در این روستا، بیش از یک نفر از عزیزان خود را از دست داده اند.





به مناسبت روز جهانی موزه، بازدید رایگان از موزه با همراهی آقایان مختاری و سلطانی، دو نفر از داوطلبان و اهداکنندگان عکس‌ها، همراه با روایت‌گری ایشان برگزار گردید. در این برنامه، تمامی عکس‌هایی که دارای روایت و داستان ویژه‌ای بودند، به صورت اسلاید شو به نمایش گذاشته شده است.



تصاویر شماره ۵: بازدید از موزه عکس به مناسبت روز جهانی موزه